

بررسی ادراکات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی درباره رویه‌های حاکمیت شرعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

۱۹۱

سیدعلی حسینی* فاطمه بابائی** و هاب قلیچ***

چکیده

حاکمیت شرعی، سیستم حاکمیت شرکتی اسلامی است که جهت حصول اطمینان از انطباق فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی با قوانین شرعی طراحی شده است. نظارت شرعی یکی از مهم‌ترین اجزای سیستم حاکمیت شرعی است که توسط کمیته فقهی انجام می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی ادراکات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی درباره رویه‌های حاکمیت شرعی در شش بخش چارچوب عمومی حاکمیت شرعی، چارچوب قانونی، نقش کمیته فقهی، سازوکارهای سیستم حاکمیت شرعی، رویه‌های اجرایی و کارکردهای کمیته فقهی است. پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است که داده‌های آن از طریق ارسال پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و سپس با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های حاصل از ۱۷۱ پرسش‌نامه دریافت شده در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان رویه‌های حاکمیت شرعی را در بازارهای مالی کشور با اهمیت قلمداد کرده‌اند و در این زمینه اختلاف معناداری بین دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی وجود ندارد؛ همچنین نتایج حاکی از آن است که پاسخگویان اولویت‌بندی متفاوتی را برای رویه‌های حاکمیت شرعی در نظر گرفته‌اند و از نظر آنها کارکردهای کمیته فقهی، صلاحیت کمیته فقهی و چارچوب عمومی حاکمیت شرعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، تأمین مالی اسلامی، حاکمیت شرعی، نظارت شرعی، کمیته فقهی.

طبقه‌بندی JEL: Z10, O16, N3, M41, G28

*. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (ع.ا.س)، تهران، ایران (نویسنده

Email: a.hosseini@alzahra.ac.ir.

مسئول).

Email: f.babaei@pnu.ac.ir.

** مری گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: vahabghelich@gmail.com.

*** استادیار پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، ایران.

مقدمه

بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ که تقلب در شرکت‌ها، حاکمیت شرکتی ضعیف و دست‌کاری سود گسترش پیدا کرد، حاکمیت شرکتی خوب (Good Corporate Governance) بار دیگر به یکی از موضوعات مهم در بین شاغلان حرفه و دانشگاهیان تبدیل شد. ویلیام لازونیک (William Lazonick) در مقاله‌ای که اخیراً جایزه مجله کسب‌وکار هاروارد (Harvard Business Review) را دریافت کرد، از مدل حاکمیت شرکتی آنگلو ساکسون که بر اساس تئوری حداکثرکردن ثروت سهامداران است، انتقاد می‌کند؛ استدلال وی این است که این مدل بسیاری از مدیران ارشد ایالات متحده را برای دست‌کاری سود تحریک می‌کند. با وجود انتقاداتی که به مدل آنگلو ساکسون وارد شده است، مدل آلمانی فرانسوی نیز تاکنون نتوانسته است منطق معتبری جهت تأمین منافع ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری به وجود آورد (Uddin, 2018, pp.55-56). به نظر می‌رسد در نظام ارزشی اسلامی که حداکثر اهمیت را به تحقق عدالت و انصاف می‌دهد، مسلماً نمی‌توان تنها هدف را حمایت از سهامداران مطرح ساخت، بلکه لازم است به منافع سایر ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی، از جمله سپرده‌گذاران، مشتریان، کارکنان مؤسسه، دولت و حتی جامعه توجه شود. اساس حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی (Islamic Financial Institutions) (IFIs)، بر مبنای تأمین حقوق ذی‌نفعان مختلف تمرکز می‌یابد. در سطحی بالاتر می‌توان عنوان نمود که مهم‌ترین صاحب حق در نظام تأمین مالی اسلامی (Islamic Finance) خود اسلام است (میسمی، ۱۳۹۲، ص ۱۱). تأمین مالی اسلامی که طی دو دهه گذشته قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای را از خود نشان داده است، به یک سیستم حاکمیتی پایدار در بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی تبدیل شده است (Uddin, 2018, pp.55-56). این سیستم به دلیل توسعه منابع درآمد اضافی و به دلیل مفاهیم منحصربه‌فرد آن که از معاملات واقعی حمایت می‌کند، به عنوان جایگزینی برای سیستم مالی غربی مورد توجه بسیاری از محافل مالی غربی قرار گرفته است. تأمین مالی اسلامی روشی برای گنجاندن ارزش‌های اسلامی در امور مالی است. این سیستم مبتنی بر قانون اسلامی یا شریعت است که جهت ترویج عدالت اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده است. در قانون شریعت بهره (رباخواری)، قمار، غرر و اعمال ظالمانه منع شده است (Mizushima, 2014,)

p.60). برای اطمینان از رعایت همه الزامات شرعی در فعالیتهای مؤسسات مالی اسلامی، به کارگیری مکانیزمهای حاکمیت شرعی (Shariah Governance) (SG) ضرورتی اجتناب ناپذیر است (Ahmed, 2011, p.393).

حاکمیت شرعی ابزار اصلی اطمینان بخشی نسبت به اجرای قوانین شرعی و نظارت بر عملکرد مؤسسات مالی اسلامی است که به طور پیوسته انطباق شرعی را در این مؤسسات تضمین می کند و همین امر می تواند عدالت و رفاه اجتماعی را در پی داشته باشد (Harrison, 1993, p.13 & Ibrahim, 2016). مؤسسات مالی اسلامی وظیفه دارند نسبت به انطباق همه محصولات، ابزارها، عملیات، رویه ها و مدیریت خود با اصول شرعی اطمینان حاصل کنند که این مهم با ایجاد چارچوب حاکمیت شرعی (Shariah Governance Framework) (SFG) مناسب محقق می شود؛ بنابراین نظارت شرعی (Shariah Supervision) نقش اساسی را در اداره مؤسسات مالی اسلامی ایفا می کند و یکی از اجزای اصلی چارچوب حاکمیت شرعی را تشکیل می دهد (Miajee, 2018, p.1).

در سالهای اخیر حاکمیت شرعی علاوه بر دانشگاهها در مؤسسات مالی اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است (Uddin, 2018, p.61) و تحقیقات زیادی در ارتباط با چارچوب حاکمیت شرعی، رویه های حاکمیت شرعی، مسائل پیش روی سیستم حاکمیت شرعی و چگونگی بهبود این سیستم در بسیاری از کشورها از جمله مالزی، اندونزی، انگلستان، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) (Gulf Cooperation Council) و ... انجام شده است (Ibid, p.57).

با توجه به پایین بودن میزان پژوهش های انجام شده در ارتباط با حاکمیت شرعی در کشور - علی رغم نرخ فراینده چنین پژوهش هایی در بسیاری از کشورهای اسلامی - که از جمله پیامدهای آن ضعف و نقصان تئوری ها و مبانی نظری در این حوزه، عدم ارائه چارچوب جامع حاکمیت شرعی در بازارهای مالی و دشوار بودن امکان سنجی اجرا و نظارت بر رویه های حاکمیت شرعی است، هدف پژوهش حاضر بررسی ادراکات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص رویه های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی کشور است. نوآوری پژوهش حاضر این است که به جمع آوری و ارائه نظرات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص رویه های در نظر گرفته شده برای حاکمیت شرعی در بازارهای مالی کشور

می‌پردازد که تاکنون در تحقیقات دانشگاهی به آن پرداخته نشده است. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند دلالت‌های مشخصی به منظور ارتقای رویه‌های سیستم حاکمیت شرعی در بازارهای مالی به همراه داشته باشد و به تدوین چارچوب جامع حاکمیت شرعی و غنی‌تر شدن هرچه بیشتر مباحث حاکمیت شرعی در کشور کمک کند. ساختار پژوهش حاضر بدین صورت است که بعد از مقدمه، مبانی نظری و سپس پیشینه پژوهش بیان می‌شود. در بخش بعدی فرضیه‌ها و روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود. در قسمت ششم یافته‌های پژوهش بیان می‌شود و بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری، بیان پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش اختصاص داده شده است.

مبانی نظری پژوهش

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (Organization for Economic Co-operation and Development) (OECD) در سال ۲۰۰۴ حاکمیت شرکتی را مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر ذی‌نفعان شرکت تعریف می‌کند (Muneeza & Hassan, 2014, p.120). این سازمان اصولی را در ارتباط با حاکمیت شرکتی تدوین کرده است که اساس حاکمیت شرکتی را در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و سایر کشورها تشکیل می‌دهد و انگیزه‌ای را برای هیئت‌مدیره و مدیریت برای دستیابی به اهداف در جهت منافع شرکت و سهامداران آن فراهم می‌کند. اصول مذکور عبارت‌اند از: ۱. اطمینان‌بخشی نسبت به مبنای چارچوب حاکمیت شرکتی مؤثر، ۲. توجه به حقوق سهامداران، ۳. رفتار برابر با سهامداران، ۴. نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی، ۵. افشا و شفافیت و ۶. مسئولیت‌پذیری هیئت‌مدیره. این اصول اکنون اساس حاکمیت شرکتی را در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و سایر کشورها تشکیل می‌دهد و انگیزه‌ای را برای هیئت‌مدیره و مدیریت برای دستیابی به اهداف در جهت منافع شرکت و سهامداران آن فراهم می‌کند (Sulphrey, 2015, pp.82-83). شش اصل حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مبتنی بر سه اصل اساسی است که عبارت‌اند از: ۱. سازوکار تصمیم‌گیری و شفافیت آن، ۲. پاسخگویی در نقش‌ها و مسئولیت‌ها و ۳. افشای کافی نتایج. به نظر می‌رسد اصول نام‌برده به‌وضوح با شفافیت، پاسخگویی و افشای کافی که

از عناصر اصلی حاکمیت شرکتی هستند، مطابقت دارد و اعتبار این اصول با تصویب آنها در سراسر جهان تأیید شده است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی قبل از تدوین این اصول بر لزوم توسعه چارچوب حاکمیت شرکتی خوب تأکید کرد. در اسلام نیز همین موضوع صادق است و رهنمودهای کلی برای چارچوب اجرا و نظارت وجود دارد (Slahudin, 2008, pp.33-34). در اسلام، منبع اصلی قانون، قرآن کریم و شریعت است. در اصطلاحات اسلامی، باید ترکیب مؤثری از قوانین مربوط به توحید و شریعت وجود داشته باشد (Sulphey, 2015, p.83). در جدول (۱) اصول حاکمیت شرکتی در اسلام و اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مقایسه می‌شود:

جدول (۱): مقایسه اصول حاکمیت شرکتی در اسلام و اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

مبنای تفاوت	اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	اصول اسلام
اختیار	مدیران برای تصمیم‌گیری اختیاردارند و آنها از اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پیروی می‌کنند.	قدرت مطلق تنها متعلق به خداوند متعال است؛ همه تصمیمات باید با در نظر گرفتن قوانین شرعی گرفته شود.
تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری بر عهده مدیرعامل و مدیریت ارشد است. رأی‌گیری فقط برای انتخاب هیئت‌مدیره و برخی تصمیمات دیگر لازم است.	مشاوره و اجماع برای کلیه تصمیمات مربوط به ذی‌نفعان لازم است.
هدف	به حداکثر رساندن سود و ارزش سهامداران	تعهد به حقوق صاحبان سهام، توزیع عادلانه ثروت و توجه به کل جامعه
مسئولیت‌پذیری	پاسخگویی مدیریت ارشد نسبت به سهامداران	پاسخگویی نه تنها نسبت به سهامداران بلکه در برابر خداوند متعال نیز وجود دارد.
اصول اخلاقی	شفافیت، پاسخگویی و افشا	عدالت، انصاف، راستگویی، شفافیت، حمایت از اقلیت‌ها، مسئولیت‌پذیری گسترده‌تر و افشای کتبی و شفاهی
کاربرد	اصول به‌طور یکسان در سراسر جهان قابل اجرا نیستند.	اصول به‌طور یکسان در سراسر جهان قابل اجرا هستند.

منبع: (Slahudin, 2008).

اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی شش موضوع مربوط به حاکمیت شرکتی را شامل می‌شود؛ درحالی‌که اصول اسلامی لزوماً افق وسیع‌تری دارند و دامنه تعهدات آنها فراتر از سهامداران، سرمایه‌گذاران، تأمین‌کنندگان، مشتریان و کارکنان است. آنها نه فقط رفاه مادی و جامعه مسلمان بلکه سعادت بشریت را در نظر می‌گیرند و در نهایت پاسخگویی نهایی را در برابر خداوند متعال امکان‌پذیر می‌سازند که صاحب دانش و قدرت مطلق است (Slahudin, 2008, p.38).

بنابراین می‌توان گفت که ساختار حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی به منظور رعایت قوانین شرعی به معیارهای اضافی در زمینه حاکمیت نیاز دارد که همان حاکمیت شرعی است. حاکمیت شرعی به عنوان بخشی از چارچوب حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی، در ایجاد و حفظ اعتماد سهامداران و سایر ذی‌نفعان و اطمینان از انطباق کلیه معاملات، اقدامات و فعالیت‌ها با اصول شرعی عنصر ضروری محسوب می‌شود (Hasan, 2011, p.2). برخلاف حاکمیت شرکتی مرسوم، حاکمیت شرعی دارای هدفی کاملاً متعالی است. در اصول حاکمیت شرکتی متعارف تأکید بر تعهد نسبت به سهامداران و ذی‌نفعان یک شرکت است؛ درحالی‌که در اصول حاکمیت شرکتی شرعی به تعهد نسبت به خداوند متعال، سهامداران و ذی‌نفعان تأکید می‌شود. هدف اساسی حاکمیت شرکتی شرعی، اداره شرکت طبق اصول قوانین اسلامی است و درواقع دلیل ایجاد شرکت اسلامی این است که خود را از قوانین مرسوم حاکمیت شرکتی متمایز کند (Muneeza & Hassan, 2014, pp.120-121). حاکمیت شرعی نسخه اسلامی حاکمیت شرکتی است. این ساده‌ترین راه برای توضیح این است که حاکمیت شرعی چیست (Ibid, p.120). شاید بهترین تعریف از حاکمیت شرعی را بتوان در استاندارد شماره ۱۰ هیئت خدمات مالی اسلامی (Islamic Financial Services Board) (IFSB-10) یافت (Hasan, 2011, p.67). این استاندارد حاکمیت شرعی را مجموعه‌ای از سازوکارهای سازمانی تعریف می‌کند که از طریق آن مؤسسه مالی اسلامی اطمینان می‌دهد که نظارت مستقل و مؤثر نسبت به انطباق شرعی در همه بخش‌ها و فرایندهای آن وجود دارد. بخش‌ها و فرایندهای مذکور عبارت‌اند از: الف) صدور بیانیه‌های شرعی، ب) ارائه اطلاعات در مورد احکام شرعی به کارکنان اجرایی مؤسسات مالی اسلامی که به‌طور مستمر بر به‌کارگیری بیانیه‌های شرعی نظارت می‌کنند، ج) بررسی انطباق شرعی

داخلی یا حسابرسی داخلی و د) بررسی انطباق شرعی سالانه برای تأیید اینکه بررسی انطباق شرعی داخلی و یا حسابرسی داخلی به درستی اجرا شده است و یافته‌های آن توسط کمیته فقهی (Shariah Board) بررسی شده است (IFSB, 2009, pp.2-3). این تعریف نشان می‌دهد که کمیته فقهی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر جهت اطمینان از انطباق شرعی در سیستم حاکمیت شرعی مؤسسات مالی اسلامی محسوب می‌شود.

طبق استاندارد حاکمیتی شماره ۱ سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی ۱۹۷ (Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions)

(AAOIFI) کمیته فقهی مجموعه‌ای متشکل از فقها و متخصصان فقه کسب‌وکار اسلامی است که مسئولیت اصلی آنها راهنمایی و نظارت بر فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی است. هدف از تشکیل کمیته فقهی این است که اطمینان حاصل شود که مؤسسات مالی اسلامی مطابق با قوانین و اصول شرعی عمل می‌کنند (AAOIFI, 2005, p.4). به طور مشابه هیئت خدمات مالی اسلامی نیز کمیته فقهی را گروهی متشکل از فقها می‌داند که هدف آنها ارائه خدمات تخصصی شرعی است و به عنوان مشاور در مؤسسات مالی اسلامی فعالیت می‌کنند (IFSB, 2009, p.1). مهم‌ترین عنصر حاکمیت شرعی فرایند آن است. این فرایند، عملکردهای مفید کمیته فقهی را به عنوان بخشی حیاتی از حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد و شامل ساختار کمیته فقهی، انتصاب، ترکیب، صلاحیت‌ها، فرایند انطباق شرعی، حسابرسی شرعی و گزارش شرعی است (Malkawi, 2013, p.560) که در ادامه تشریح می‌شود:

۱. ساختار کمیته فقهی: باناگا و تامکینز (Banaga and Tomkins, 1994) کمیته‌های فقهی را در سه گروه طبقه‌بندی کردند: الف) کمیته‌های فقهی که اعضای آنها فقها هستند، ب) دپارتمان شرعی درون‌سازمانی که متشکل از کارشناسان امور شرعی است و ج) کمیته‌های فقهی که افرادی غیر از فقها مجاز به عضویت در آن هستند مانند بانک مرکزی پاکستان (State Bank of Pakistan) (SBP) و بانک مرکزی مالزی (Bank Negara Malaysia) (BNM). در طبقه‌بندی دیگر کمیته‌های فقهی به دو گروه درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم می‌شوند. کمیته فقهی درون‌سازمانی متداول‌ترین مدل است که در آن مؤسسات مالی اسلامی موظف به تشکیل کمیته فقهی بر اساس مفاد اساسنامه خود هستند. ساختار این کمیته‌ها در مؤسسات مختلف متفاوت است. هدف تشکیل کمیته فقهی که در اساسنامه ذکر

شده است، ماهیت ساختار اداره آن را تعیین می‌کند (Hasan, 2011, p.83). گروه دوم شامل کمیته‌های فقهی در سطح ملی، بین‌المللی و افراد یا مؤسساتی است که خدمات مشاوره شرعی ارائه می‌کنند. در سطح ملی کمیته‌های فقهی توسط دولت‌های مربوطه در سطح بانک‌های مرکزی یا کمیسیون اوراق بهادار تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها بالاترین مقام شرعی در مؤسسات مالی اسلامی هستند و تصمیمات آنها قطعی و لازم‌الاجراست. کمیته‌های بین‌المللی فقهی معمولاً سازمان‌های مستقلی هستند یا با همکاری متقابل چندین کشور مسلمان ایجاد شده است مانند سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، بانک توسعه اسلامی (Islamic Development Bank) (IDB) و شاخص‌های بازار اسلامی داوجونز (Dow Jones Islamic Market Indexes) (DJIM). کمیته‌های مشاوره فقهی نیز مؤسساتی هستند که خدمات شرعی را در قالب خدمات مشاوره یا نظارت ارائه می‌دهند (Malkawi, 2013, p.554).

۲. انتصاب: در حال حاضر اعضای کمیته فقهی توسط سهامداران در مجمع عمومی عادی سالیانه یا توسط هیئت‌مدیره شرکت تعیین می‌شوند. برای تأمین آزادی و استقلال، اعضای کمیته فقهی نباید در استخدام بانک باشند یا در تصمیمات مدیریتی و مسئولیت‌های عملیاتی نقش داشته باشند. علاوه بر این، طبق استاندارد سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی سهامداران در مجمع عمومی عادی سالیانه اختیار تعیین اعضای کمیته فقهی را در مجمع عمومی عادی سالیانه ندارند؛ ولی هیئت‌مدیره این اختیار را ندارد. این امر برای حصول اطمینان از استقلال کمیته فقهی است. در صورتی که انتصابات کمیته فقهی بر اساس توصیه هیئت‌مدیره در مجمع عمومی عادی سالیانه باشد، کمیته فقهی مجاز است در جلسات هیئت‌مدیره شرکت کند و در مورد جنبه‌های شرعی آنها بحث کند (Hasan, 2011, p.93). انتصابات کمیته فقهی در سطح ملی بر عهده دولت است. به‌طورکلی، هیچ استاندارد یکسانی در مورد روش انتصاب کمیته فقهی وجود ندارد.

۳. ترکیب: ترکیب کمیته فقهی در مؤسسات مالی اسلامی متفاوت است. تعداد اعضای کمیته فقهی در بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی بین سه تا شش نفر است. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی حداقل تعداد اعضای کمیته فقهی را سه نفر تعیین کرده است (Malkawi, 2013, p.560). هیئت‌مدیره از جانب سهامداران اختیار دارد

حق الزحمه اعضای کمیته فقهی را مشخص نماید (Hasan, 2011, p.83). از آنجاکه اعضای کمیته فقهی حق الزحمه خود را از مؤسسه مالی اسلامی دریافت می‌کنند، احتمال تضاد منافع وجود دارد و ممکن است اعضا به منظور ادامه فعالیت در مؤسسه اقدامات غیرقانونی یا مشکوک را قانونی جلوه دهند. از آنجاکه انتظار می‌رود اعضای کمیته فقهی از نظر شرعی بر اساس اعتقادات اخلاقی و ارزش‌های دینی عمل کنند، ممکن است چنین فرضی واقعاً درست نباشد؛ اما باز هم نیاز به وجود چارچوبی مناسب در قالب رویه یا مقررات احساس می‌شود؛ زیرا اعتبار مؤسسات مالی اسلامی به استقلال کمیته فقهی بستگی دارد (Ibid, p.105).

۴. صلاحیت‌ها: افراد واجد شرایط برای عضویت در کمیته فقهی کسانی هستند که دارای تخصص لازم در شریعت و قانون به‌ویژه فقه معاملات و اصول فقه باشند. دلیل این تأکید این است که کمیته فقهی بیشتر به مسائل مربوط به معاملات تجاری می‌پردازد. با وجود این، استانداردهای حاکمیتی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و استاندارد شماره ۱۰ هیئت خدمات مالی اسلامی انتصاب شخصی را که در فقه معاملات تخصص ندارد، جهت عضویت در کمیته فقهی مجاز دانسته است که علت آن تقویت توانایی این کمیته در زمینه بررسی و درک امور بانکداری است. کمیته فقهی بانک مرکزی پاکستان و بانک مرکزی مالزی متشکل از متخصصانی از حوزه‌های مختلف از جمله فقه، حسابداران رسمی، وکلا، قضات و بانکداران است. بانک مرکزی پاکستان با وضع شرایط بسیار سخت‌گیرانه جهت انتخاب اعضای کمیته فقهی خود حتی از این هم فراتر رفته است؛ از نظر صلاحیت آموزشی، هر یک از اعضای این کمیته باید حداقل دارای مدرک کارشناسی در اقتصاد یا مدرک تخصص در اصول فقه و درک کافی از امور بانکی و مالی یا دارای مدرک کارشناسی ارشد در فقه اسلامی از دانشگاه‌های معتبر در رشته بانکداری و امور مالی باشند؛ همچنین هر یک از اعضا باید حداقل سه سال تجربه در زمینه قوانین شرعی یا حداقل پنج سال تجربه در تحقیق و توسعه در زمینه بانکداری و امور مالی اسلامی داشته باشند. به علاوه بانک مرکزی پاکستان بر توانایی تسلط اعضای کمیته فقهی یا داشتن دانش مناسب در زبان‌های عربی و انگلیسی تأکید می‌کند. همه این الزامات کمیته فقهی را قادر می‌سازد رویه‌های حاکمیت شرعی معتبرتری برای مؤسسات مالی اسلامی ایجاد کنند که بسیار مهم است (Hasan, 2011, p.95-96).

۵. فرایند انطباق شرعی: هر مؤسسه مالی اسلامی فرایندهای خاص خود را برای سیستم حاکمیت شرعی دارد. در حال حاضر، هیچ رهنمود معتبر خاصی در مورد مدیریت تأیید محصولات، حسابرسی قبل و بعد از آن وجود ندارد. معمولاً دبیرخانه تخصصی برای ساماندهی و رسیدگی به امور شرعی تشکیل می‌شود. کارهای دفتری و اداری مربوط به کمیته فقهی که باید در جلسه کمیته فقهی ارائه شود، عمدتاً توسط رئیس دبیرخانه رسیدگی می‌شود. جلسات کمیته فقهی بسته به نیازهای مؤسسه معمولاً هفتگی و ماهانه تشکیل می‌شود. جلسه کمیته فقهی شامل بحث در مورد مسائل مختلف شرعی از جمله مفهوم و ساختار محصولات جدید و موجود، مستندات، عملیات و پرتفوی اوراق بهادار است. اعضای کمیته فقهی کلیه مدارک مربوطه را حداقل یک هفته قبل از تاریخ جلسه از مؤسسات مالی اسلامی دریافت خواهند کرد و برای خواندن و مطالعه اسناد به آنها فرصت کافی داده می‌شود. جلسات به ریاست رئیس کمیته فقهی برگزار می‌شود و تصمیمات معمولاً به اتفاق آرا گرفته می‌شود. در برخی از کمیته‌های فقهی تصمیمات باید با اکثریت ساده اتخاذ شود و این مورد بیشتر در مورد انتشار صکوک توسط مؤسسات مالی اسلامی بین‌المللی صادق است (Hasan, 2011, pp.94-96).

۶. حسابرسی شرعی: مؤسسات مالی اسلامی باید فرایند حسابرسی شرعی را برای حصول اطمینان از انطباق کلیه معاملات با اصول شرعی انجام دهند. در بیشتر مؤسسات مالی اسلامی، حسابرسی شرعی توسط حسابرسان داخلی به عنوان بخشی از فرایند معمول حسابرسی داخلی یا به صورت جداگانه انجام می‌شود (Malkawi, 2013, p.500).

۷. گزارش شرعی: کمیته فقهی موظف است گزارش سالیانه خود را به هیئت‌مدیره مؤسسات مالی اسلامی ارائه کند. سپس گزارش برای تأیید به مجمع عمومی عادی سالیانه ارائه می‌شود. گزارش سالانه کمیته فقهی شامل اطلاعاتی درباره وظایف و خدمات ارائه‌شده به مؤسسات مالی اسلامی مربوطه، صدور فتوا، فعالیت‌های کمیته فقهی و بیانیه انطباق شرعی است. استاندارد شرعی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی نیز مؤسسات مالی اسلامی را ملزم می‌کند گزارش شرعی را با رعایت رهنمودهای خاصی تهیه کنند. قالب و محتوای گزارش‌های شرعی در مؤسسات مالی اسلامی مختلف متفاوت است و برخی از کمیته‌های فقهی حتی گزارش‌های سالانه خود را به مجمع ارائه نمی‌دهند (Ibid, p.562).

به علت فقدان چارچوب مفهومی جامع، رویه‌ها و مدل‌های متنوعی از سیستم حاکمیت شرعی وجود دارد که معمولاً بر اساس نیازها و تجربیات کشورها تنظیم می‌شود. در بعضی از کشورها مداخله نهادهای نظارتی بیشتر است و چارچوب قانونی جامعی برای نظارت و اجرای رویه‌های شرعی در هر دو سطح ملی و سازمانی تدوین شده است (رویکرد حداکثری). برخی دیگر از کشورها به دخالت کمتر نهادهای نظارتی علاقه‌مندند و چارچوب قانونی حاکمیت شرعی را فقط در سطح سازمانی تصویب کرده‌اند (رویکرد میانی). کشورهای دیگر نیز ترجیح داده‌اند که مقررات خاصی را برای رویه‌های حاکمیت شرعی ارائه ندهند و آن را به اقدامات داوطلبانه مؤسسات مالی اسلامی و تأثیر بازار محول کنند (رویکرد حداقلی). اغلب سیستم نظارت شرعی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با کشورهای آسیای جنوب شرقی متفاوت است. به علاوه سیستم نظارت شرعی برای مؤسسات مالی اسلامی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است که ماحصل این تفاوت‌ها بروز مسائل و چالش‌های جدیدی برای سیستم حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی است (Grassa, 2013, p.338).

در ایران ابتدای سال ۱۳۸۸ شورایی در بانک مرکزی به نام شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. این شورا که متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی است در عرصه نظارت بر انطباق معامله‌های نظام بانکی و ابزارهای جدید پیشنهادی با موازین شرعی فعالیت می‌کند (موسویان و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۶). پس از تصویب قانون بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۶ زیرساخت‌های قانونی برای طراحی ابزارها و نهادهای مالی جدید در بازار سرمایه نیز فراهم شد. بر این اساس، دستورالعمل کمیته تخصصی فقهی در سال ۱۳۸۶ به تصویب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و فعالیت آن آغاز گردید (کاوند، ۱۳۹۶، ص ۱۹)؛ بنابراین نظارت شرعی در ایران در سطح کلان در بازار پول از طریق شورای فقهی بانک مرکزی و در بازار سرمایه از طریق کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار انجام می‌شود و در سطوح خرد (سازمانی) اقدام قابل توجهی در راستای نظارت شرعی صورت نمی‌گیرد.

پس می‌توان گفت الگوی فعلی نظارت شرعی در ایران در سطحی پایین‌تر از گروه نظارت حداقلی قرار می‌گیرد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹).

پیشینه پژوهش

حسن (Hasan, 2011) طی پژوهشی رویه‌های حاکمیت شرعی در مالزی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (شامل کویت، بحرین، امارات متحده عربی، قطر و عربستان سعودی) را بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رویه‌های حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی کشورهای مورد بررسی به‌طور بااهمیتی با یکدیگر متفاوت است؛ همچنین نتایج این پژوهش تأیید کرد که کاستی‌ها و نقاط ضعفی در رویه‌های فعلی حاکمیت شرعی وجود دارد که باید بهبود یابد.

فاروق و فاروق (Farook & Farooq, 2011) پژوهشی با عنوان چالش‌های اجرای حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی جهت ارائه راه‌حل‌های لازم به نهادهای مقررات‌گذار از جمله سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی انجام دادند. در این پژوهش یکی از مهم‌ترین چالش‌های صنعت مالی اسلامی یعنی کمبود فقهای واجد شرایط بررسی شد. نتایج پژوهش حاکی از این بود که ایجاد مؤسسات آموزشی و ایجاد برنامه درسی مناسب جهت آموزش تخصصی اعضای کمیته فقهی و نیز تدوین استانداردها و رهنمودهای مقتضی توسط نهادهای مقررات‌گذار در رابطه با صلاحیت اعضای کمیته فقهی می‌تواند سبب ارتقای جایگاه اعضای کمیته فقهی به عنوان مجریان رویه‌های حاکمیت شرعی شود.

ریدوان و میاپادا (Ridwan & Mayapada, 2020) با انجام پژوهشی تأثیر حاکمیت شرعی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی را در بانک‌های اسلامی اندونزی بررسی کردند. داده‌های این پژوهش از گزارش‌های سالانه ده بانک اسلامی در اندونزی طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۸ جمع‌آوری شد. یافته‌ها حاکی از این بود که اثربخشی هیئت‌مدیره نقش اساسی در اجرای افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارد؛ درحالی‌که کمیته حسابرسی و کمیته فقهی تأثیر معناداری در افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی در بانک‌های مورد بررسی ندارند.

نفیس و همکاران (Nafees & et al, 2019) سطح اجرای حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی را در سه کشور سریلانکا، مالزی و بحرین با استفاده از روش کیفی و تحلیل

محتوا مقایسه کردند. نتایج پژوهش نشان داد که سطح مطلوبی از حاکمیت شرعی در مالزی و بحرین وجود دارد. در کشور مالزی اقدامات قابل توجهی در راستای قانون‌گذاری صنعت بانکداری اسلامی در ارتباط با حاکمیت شرعی انجام شده است؛ بر این اساس، کلیه بانک‌های اسلامی موظف‌اند کمیته‌های فقهی را ایجاد کنند و در صورت وجود تعارض آرا بین اعضای کمیته فقهی باید با شورای مشورتی شرعی (Shariah Advisory Council) (SAC) مشورت شود که زیر نظر بانک مرکزی مالزی تأسیس شده است. در بحرین، بانک مرکزی بحرین ۲۰۳ کلیه بانک‌ها را ملزم به تشکیل کمیته فقهی مستقل مطابق با استانداردهای حاکمیتی شماره ۱ و ۲ سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی کرده است. به علاوه بحرین برخلاف سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، شورای مشورتی شرعی ملی را با هدف تحقق انطباق شرعی تأسیس کرده است. در سریلانکا برخلاف مالزی و بحرین مؤسسات مالی اسلامی - به جز بانک امانا (Amana) - از حاکمیت شرعی مناسبی برخوردار نیستند.

هلمی و حسن (Hilmy & Hassan, 2019) ساختار حاکمیت شرعی مؤسسات مالی اسلامی را در سریلانکا بررسی کردند. روش مورد استفاده در این مطالعه روش کیفی است و داده‌ها با استفاده از مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. یافته‌های حاصل از انجام این مطالعه نشان داد که در مقایسه با چارچوب بین‌المللی و دستورالعمل‌های صادرشده توسط سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و هیئت خدمات مالی اسلامی، در رویه‌های حاکمیت شرعی مؤسسات مالی اسلامی در سریلانکا، به‌ویژه از نظر ساختار و فرایند، شکاف‌ها و کاستی‌هایی وجود دارد.

موسویان و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از روش تحلیلی توصیفی به ارزیابی حاکمیت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی انگلستان و مقایسه آن با ایران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی حاکمیت شرعی مورد استفاده در کشور انگلستان به منظور اجرایی نمودن بانکداری اسلامی در محیطی غیراسلامی و در شرایطی که هیچ‌یک از قوانین بالادستی نیز بر اساس دستورات اسلامی تنظیم نشده‌اند، دارای ویژگی‌های مشخص و منحصر به فردی است. استخراج این ویژگی‌ها می‌تواند دلالت‌های مشخصی به منظور

تقویت نظارت شرعی در کشور ایران به همراه داشته باشد که در این پژوهش به برخی از آنها اشاره شده است.

موسویان و میسمی (۱۳۹۲) طی پژوهشی با شناسایی انواع الگوهای اجرایی نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی سایر کشورها، به ارائه الگوی مطلوب نظارت شرعی بر بانک‌های کشور پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اولاً، در سه دهه گذشته قانون عملیات بانکی بدون ربا به خوبی اجرایی نشده و نظارت شرعی متناسب با آن، در بانک مرکزی یا دیگر بانک‌ها به شیوه صحیح عملیاتی نشده است؛ ثانیاً، در بین الگوهای مختلف نظارت شرعی، مورد مطلوب برای نظام بانکی کشور «مدل حداکثری» است و ثالثاً، لازم است در اجرای الگوی نظارت شرعی مطلوب، اقتضائات و ویژگی‌های خاص نظام بانکی کشور باید مورد توجه قرار گیرند.

مهدوی پارسا (۱۳۹۷) طی پژوهشی با استفاده از روش تحلیلی چارچوب‌های ارائه شده برای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی متعارف و اسلامی را تحلیل و چارچوبی جدید برای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری ایران ارائه کرده است. چارچوب پیشنهادی این پژوهش مبتنی بر چهار اصل بنیادی عدالت، امانت، صداقت و رعایت (تطابق با اصول شرع و مقررات شرع) است. در این مقاله بیان شده است که عمل به اصول چهارگانه مزبور در بانک‌ها باعث بهبود عملکرد آنها و نزدیک‌تر شدن نظام بانکی به نظام بانکداری اسلامی به مفهوم واقعی آن می‌شود.

توحیدی و فتاحی (۱۳۹۸) با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و هیئت خدمات مالی اسلامی و استخراج مؤلفه‌های اساسی ارتقاء نظارت شرعی در بازار سرمایه پرداختند. طبق نتایج این پژوهش، وظایف کمیته فقهی، ساختار و ماهیت کمیته فقهی، نظارت شرعی، گزارش نظارت شرعی و نقش مؤسسه مالی اسلامی به عنوان پنج مؤلفه مطلوب نظارت شرعی تعیین شدند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی اول: رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی از دید دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی حائز اهمیت است.

فرضیه فرعی اول: رویه‌های چارچوب عمومی حاکمیت شرعی در بازارهای مالی از دید دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی حائز اهمیت است.

فرضیه فرعی دوم: رویه‌های چارچوب قانونی حاکمیت شرعی در بازارهای مالی از دید ۲۰۵ دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی حائز اهمیت است.

فرضیه فرعی سوم: نقش کمیته فقهی در بازارهای مالی از دید دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی حائز اهمیت است.

فرضیه فرعی چهارم: صلاحیت کمیته فقهی در بازارهای مالی از دید دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی حائز اهمیت است.

فرضیه فرعی پنجم: استقلال کمیته فقهی در بازارهای مالی از دید دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی حائز اهمیت است.

فرضیه فرعی ششم: رویه‌های اجرایی حاکمیت شرعی در بازارهای مالی از دید دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی حائز اهمیت است.

فرضیه فرعی هفتم: کارکردهای کمیته فقهی در بازارهای مالی از دید دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی حائز اهمیت است.

فرضیه اصلی دوم: بین دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی سوم: دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی اولویت‌بندی متفاوتی را برای رویه‌های حاکمیت شرعی در نظر گرفته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش پیمایشی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات در بخش نظری پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و در بخش میدانی از پرسش‌نامه با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵) استفاده شده

است. در این پژوهش از پرسش نامه حسن (۲۰۱۱) استفاده شد که پس از ترجمه با همکاری خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای حوزه مالی اسلامی با شرایط کشور بومی‌سازی شد. سؤالات پرسش نامه در دو بخش تنظیم شد که بخش اول به سؤالات جمعیت‌شناختی و بخش دوم به سؤالات تخصصی در ارتباط با موضوع پژوهش اختصاص یافت. سؤالات تخصصی پرسش نامه جهت نظرخواهی از پاسخگویان در خصوص رویه‌های حاکمیت شرعی اسلامی در شش بخش تنظیم شد. جامعه آماری پژوهش حاضر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها - در رشته‌های حسابداری، علوم اقتصادی، بانکداری، مدیریت مالی و فقه و حقوق اسلامی - و شاغلان بازارهای مالی می‌باشند. با توجه به اینکه اطلاع دقیقی از حجم جامعه وجود ندارد و بالطبع اطلاعی از واریانس جامعه در دسترس نیست، حجم نمونه با استفاده از رابطه ۲ مشخص گردید.

جهت محاسبه انحراف معیار با توجه به طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت که در این پژوهش استفاده گردید، می‌توان گفت، چون در این طیف بزرگ‌ترین مقدار عدد ۵ و کوچک‌ترین مقدار عدد ۱ است، بنابراین انحراف معیار برابر با ۰/۶۶۷ است (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴-۱۹۵):

$$\delta \approx \frac{\max(x) - \min(x)}{6} = \frac{5-1}{6} = 0.667 \quad \text{رابطه ۱:}$$

$$n = \frac{\left(\frac{Z_{\alpha}^2 \times \delta^2}{\varepsilon^2}\right)}{0.1^2} = \frac{(1.96^2 \times 0.667^2)}{0.1^2} \cong 171 \quad \text{رابطه ۲:}$$

در این رابطه، Z مقدار احتمال نرمال استاندارد - که بر اساس جدول احتمال‌های نرمال استاندارد استخراج می‌شود -، α سطح خطا، δ انحراف معیار و ε دقت مورد نظر محقق است. در این پژوهش سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Z=1.96$) و دقت ۱۰ درصد در نظر گرفته شد و طبق محاسبات انجام شده حداقل حجم نمونه آماری ۱۷۱ نفر برآورد گردید.

قبل از به‌کارگیری ابزارهای اندازه‌گیری لازم است نسبت به روایی (Validity) و معتبر بودن آنها اطمینان حاصل شود. منظور از روایی این است که مقیاس یا محتوای ابزار یا سؤالات مندرج در ابزار دقیقاً متغیرها و موضوع مورد مطالعه را بسنجد؛ یعنی اینکه هم داده‌های گردآوری شده از طریق ابزار مزاد بر نیاز تحقیق نباشد و هم اینکه بخشی از داده‌های

مورد نیاز در رابطه با سنجش متغیرها در محتوای ابزار حذف نشده باشد یا به عبارت دیگر عین واقعیت را به خوبی نشان دهد (احمدی و صالحی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵-۲۳۶). در پژوهش حاضر جهت اطمینان از روایی پرسش‌نامه از روایی محتوایی (Content Validity) استفاده شد. به این منظور پرسش‌نامه اولیه قبل از توزیع در اختیار تعدادی از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مالی اسلامی قرار گرفت و اصلاحات پیشنهادی آنها در پرسش‌نامه اعمال گردید. پس از تأیید اعتبار پرسش‌نامه توسط خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای، با توجه به ۲۰۷ احتمال عدم دریافت همه پرسش‌نامه‌های ارسالی بیش از ۳۰۰ پرسش‌نامه در بهار ۱۳۹۹ از طریق پست الکترونیک و شبکه‌های اجتماعی و به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده برای مشارکت‌کنندگان هدف ارسال و بر اساس پیگیری‌های بعدی به عمل آمده، نهایتاً ۱۷۱ پرسش‌نامه کامل و قابل قبول دریافت گردید.

پایایی (Reliability) یکی دیگر از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است و از آن به دقت و اعتمادپذیری نیز تعبیر می‌شود. پایایی عبارت است از اینکه اگر یک وسیله اندازه‌گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان و مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود؛ به عبارت دیگر، ابزار پایا ابزاری است که از خاصیت تکرارپذیری و سنجش نتایج یکسان برخوردار باشد (احمدی و صالحی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۶). در این پژوهش برای سنجش ضریب پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. گفته می‌شود اگر ضریب آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد، آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹). مقدار ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برابر ۰/۸۹۵ است و نشان می‌دهد پرسش‌نامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل آماری شد. در بخش توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد نمونه و آماره‌های توصیفی مربوط به پاسخ‌ها بررسی شد. در بخش تحلیل استنباطی نیز پس از انجام آزمون‌های نرمال‌بودن داده‌ها، فرضیه‌های پژوهش آزمون شد.

یافته‌های پژوهش

۱. یافته‌های توصیفی

پیش از آزمون فرضیه‌های پژوهش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان و اطلاعات توصیفی مربوط به پاسخ‌ها بررسی شد که نتایج آن در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

تعداد کل پاسخگویان: ۱۷۱ نفر							
جنسیت	مرد	۱۶۸	۹۸/۲	موقعیت شغلی	مربی	۴۸	۲۸/۱
سن	کمتر از ۳۰ سال	۱۲	۷	دانشیار	۱۰	۵/۸	
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۳۰	۱۷/۵	کمتراز ۵ سال سابقه کاری	۱۶	۹/۴	
	دانشجوی دکتری	۳۱	۱۸/۱	۵-۱۰ سال	۵۰	۲۹/۲	
	دکتری	۱۰۵	۶۱/۴	۱۰-۱۵ سال	۴۰	۲۳/۴	
	تحصیلات حوزوی	۵	۲/۹	بیشتر از ۱۵ سال	۶۵	۳۸	
فرایوانی	درصد	فرایوانی	درصد	طبقه	فرایوانی	درصد	فرایوانی

۲۰۸

منبع: یافته‌های پژوهش.

جدول (۳): توزیع فراوانی پاسخ‌ها و آماره‌های توصیفی

۱. چارچوب عمومی حاکمیت شرعی			
گزاره	میانگین	انحراف معیار	مد
۱. استانداردهای حاکمیتی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) باید در مؤسسات مالی اسلامی کشور به عنوان دستورالعمل پذیرفته شود.	۳/۸۹	۰/۹۹۱	۴
۲. ایجاد کمیته‌های تخصصی فقهی اقدام مناسبی برای اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی است.	۴/۰۶	۱/۰۰۷	۴
۳. استفاده از خدمات مؤسسات مشاور شرعی اقدام مناسبی برای اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی است.	۳/۷۹	۱/۰۴۲	۴
۴. استقرار مدیریت نظارت شرعی در نمودار سازمانی اقدام مناسبی برای اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی است.	۳/۸۴	۱/۰۸۳	۴
کل	۳/۹	۰/۷۹۸۳۶	۴
۲. چارچوب قانونی حاکمیت شرعی			
گزاره	میانگین	انحراف معیار	مد
۵. معیار تصمیم‌گیری فقهی کمیته در مباحثی که برای آن قانون وجود ندارد، نظر اجماعی فقها است.	۳/۶۷	۱/۰۷۳	۴
۶. تصمیمات کمیته فقهی در مؤسسات مالی الزام‌آور است.	۳/۶۳	۱/۲۰۳	۴
کل	۳/۶۵	۰/۹۷۹۰۴	۴
۳. نقش کمیته فقهی			
گزاره	میانگین	انحراف معیار	مد
۷. نقش کمیته فقهی در مؤسسات مالی اسلامی صرفاً نقش مشاوره‌ای و علمی در طراحی راهکارها یا تدوین مقررات است.	۳/۲۹	۱/۲۱۶	۴
۸. نقش کمیته فقهی در مؤسسات مالی اسلامی صرفاً نقش نظارتی و اخطاردهنده بدون قدرت بازدارندگی است.	۲/۹۶	۱/۲۷۶	۲
۹. نقش کمیته فقهی در مؤسسات مالی اسلامی تلفیقی از نقش مشاوره‌ای و علمی در طراحی راهکارها یا تدوین مقررات با نقش نظارتی و اخطاردهنده همراه با قدرت بازدارندگی است.	۳/۶۶	۱/۱۴۹	۴
کل	۳/۳۰۴	۰/۷۹۶۹۲	۴

۲۰۹

۴. سازوکارهای سیستم حاکمیت شرعی: الف) صلاحیت			
گزاره	میانگین	انحراف معیار	مد
۱۰. داشتن مدرک کارشناسی ارشد به بالا و یا معادل حوزوی در رشته‌های مرتبط برای انتصاب اعضای کمیته فقهی ضروری است.	۳/۹۶	۱/۱۳۷	۵
۱۱. دارا بودن درجه اجتهاد متجزی برای انتصاب اعضای کمیته فقهی ضروری است.	۳/۷۴	۱/۰۸۱	۴
۱۲. سابقه و تجربه کار عملیاتی و مدیریتی در نظام مالی برای انتصاب اعضای کمیته فقهی ضروری است.	۴/۱۸	۰/۹۱۸	۴
۱۳. برخورداری از سوابق تجربی کافی در مشاوره و نظارت شرعی برای انتصاب اعضای کمیته فقهی ضروری است.	۴/۱۵	۰/۸۷۲	۴
۱۴. به غیر از فقهای متخصص در حوزه مالی اسلامی، از چه کارشناسانی می‌توان در کمیته فقهی استفاده کرد؟			
الف) متخصصین دانشگاهی در حوزه مربوطه	۴/۴۳	۰/۷۷۴	۵
ب) متخصصین اجرایی در حوزه مربوطه	۴/۳۹	۰/۷۶۱	۵
ج) سایر	۳/۲۳	۰/۹۷۲	۳
کل	۴/۰۱۲	۰/۵۹۳۱۶	مد ندارد
۴. سازوکارهای سیستم حاکمیت شرعی: ب) استقلال			
گزاره	میانگین	انحراف معیار	مد
۱۵. انتصاب و برکناری اعضای کمیته فقهی باید بر عهده چه کسانی باشد؟			
الف) سهامداران از طریق جلسه مجمع عمومی سالانه	۳/۲۱	۱/۳۶۹	۴
ب) هیئت مدیره	۳/۲۰	۱/۲۸۸	۴
ج) مدیرعامل	۲/۸۰	۱/۱۵۳	۲
د) پیشنهاد مدیرعامل و تصویب هیئت مدیره	۳/۰۶	۱/۲۶۸	۴
و) رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار	۳/۱۹	۱/۲۰۸	۴
ه) شورای فقهی بانک مرکزی و کمیته فقهی بازار سرمایه	۴/۰۴	۱/۰۸۱	۵

۴	۱/۲۱۱	۳/۱۸	ی) مدیرکل نظارت بانک مرکزی و رئیس اداره نظارت بر بازار بورس های اوراق بهادار
۱۶. دوره انتصاب اعضای کمیته فقهی باید به چه صورت باشد؟			
۴	۰/۸۳۷	۴/۰۱	الف) حداقل می تواند یک دوره پنج ساله باشد.
۴	۱/۱۴۸	۳/۰۲	ب) انتخاب اعضای کمیته فقهی برای حداقل دو دوره پنج ساله امکان پذیر است.
۱۷. حق الزحمه اعضای کمیته فقهی باید توسط چه کسانی تعیین شود؟			
۴	۱/۳۴۳	۳/۲۳	الف) هیئت مدیره
۲	۱/۱۵۷	۲/۵۸	ب) مدیرعامل
۴	۱/۲۹۷	۳/۲۵	ج) رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار
۴	۱/۲۴۲	۳/۵۶	د) شورای فقهی بانک مرکزی و کمیته فقهی بازار سرمایه
۱۸. برای کاهش تضاد منافع فقهای عضو در کمیته های مختلف چه سازوکارهایی باید وجود داشته باشد؟			
۵	۰/۹۰۲	۴/۳۸	الف) عدم امکان سهامداری در مؤسسه مورد نظر توسط اعضای کمیته فقهی
۵	۰/۸۷۳	۴/۴۲	ب) عدم اخذ تسهیلات از مؤسسه مورد نظر توسط اعضای کمیته فقهی
۵	۰/۸۵۲	۴/۴۲	ج) عدم تصاحب مشاغل مدیریتی در مؤسسه مورد نظر توسط اعضای کمیته فقهی
۵	۰/۹۲۸	۴/۳۸	د) افشای کامل مصوبات کمیته فقهی و دلایل و مستندات آن
۱۹. شرح وظایف، اختیارات و مسئولیت های کمیته فقهی باید در کدام یک از مدارک و اسناد صراحتاً مشخص شود؟			
۵	۱/۰۵۴	۴/۲۶	الف) اساسنامه مؤسسه
۴	۱/۰۶۷	۳/۸۸	ب) تفاهم نامه همکاری
۴	۱/۱۸۵	۳/۶۱۰	ج) حکم انتصاب اعضا توسط مدیرعامل
۴	۰/۹۹۴	۳/۹۹	د) مصوبه هیئت مدیره مؤسسه مالی اسلامی
۴	۰/۵۰۸۸۰	۳/۶۰۲۹	کل
۵. رویه های اجرایی			
مد	انحراف معیار	میانگین	گزاره

۲۰. مصوبات کمیته فقهی باید به چه صورت تصویب شود؟			
الف) بارأی اکثریت اعضای فقهی کمیته	۳/۷۶	۱/۱۹۶	۵
ب) با رأی اکثریت کلبه اعضای کمیته (فقهی و غیرفقهی)	۳/۷۸	۱/۱۹۶	۵
۲۱. کمیته فقهی باید ملزم به ارائه گزارش شرعی به چه کسانی باشد؟			
الف) سهامداران از طریق جلسه مجمع عمومی سالانه	۴/۲۳	۱/۰۵۳	۵
ب) هیئت مدیره	۴/۲۷	۰/۹۱۵	۵
ج) مدیرعامل	۳/۸۴	۱/۱۷۵	۵
د) رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار	۴/۰۱	۱/۰۹۵	۵
و) شورای فقهی بانک مرکزی و کمیته فقهی بازار سرمایه	۴/۳۹	۰/۸۶۳	۵
ه) مدیرکل نظارت بانک مرکزی و رئیس اداره نظارت بر بازار بورس های اوراق بهادار	۳/۸۶	۱/۰۹۲	۵
۲۲. ساختار سازمانی کمیته فقهی باید به چه صورت باشد؟			
الف) یک اداره و نهاد مستقل باشد.	۴/۱۰	۱/۱۷۱	۵
ب) ذیل اداره حسابرسی و نظارت فعالیت کند.	۲/۷۷	۱/۲۷۰	۲
ج) مستقیماً ذیل مدیرعامل فعالیت کند.	۲/۵	۱/۲۳۴	۲
کل	۳/۷۷	۵۶۸۰۱	۵
۶. کارکردهای کمیته فقهی			
گزاره	میانگین	انحراف معیار	مد
۲۳. کمیته فقهی می تواند به ارتقای پاسخگویی مؤثر سازمانی بینجامد.	۴/۱۱	۰/۹۱۷	۴
۲۴. کمیته فقهی می تواند به طور مؤثر با سایر بخش های حاکمیتی از جمله هیئت مدیره، مدیریت و حسابرسان ارتباط برقرار کند.	۴/۰۶	۰/۹۰۸	۴
۲۵. کمیته فقهی اخلاق و ارزش های اسلامی را در داخل سازمان ترویج می دهد.	۴/۰۱	۱/۰۷۴	۵
۲۶. کمیته فقهی باعث بهبود مستمر رویه های کنترل شرعی سازمانی می شود.	۴/۱۷	۰/۹۵۲	۵
کل	۴/۰۸۹	۰/۸۳۱۶۴	مد ندارد

منبع: یافته های پژوهش.

اطلاعات درج شده در جدول فوق نشان می دهد که میانگین همه گویه ها - به غیر از گویه ۸، گزینه (ج) در گویه ۱۵، گزینه (ب) در گویه ۱۷ و گزینه های (ب) و (ج) در گویه ۲۲ - و نیز میانگین کل در هر یک از بخش های چارچوب حاکمیت شرعی از میانگین نظری یعنی عدد ۳ بیشتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤالات پرسش نامه گزینه های کاملاً موافق و موافق را بیشتر انتخاب کرده اند؛ یعنی فراوانی گزینه های کاملاً موافق و موافق نسبت به گزینه های کاملاً مخالف و مخالف بیشتر است.

۲. یافته های استنباطی

آزمون نرمال بودن داده ها

در بخش آمار استنباطی به منظور تعیین وضعیت توزیع داده ها و تعیین آزمون مناسب برای آزمون فرضیه ها، ابتدا وضعیت نرمال بودن داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف (Kolmogorov-Smirnov test) تعیین شد. فرض صفر در این آزمون بیانگر نرمال بودن توزیع داده ها و فرض مخالف بیانگر نرمال نبودن توزیع است. در صورتی که مقدار سطح معناداری کمتر از مقدار ۵ درصد باشد، فرض صفر یعنی فرض نرمال بودن توزیع نمونه مورد مطالعه در سطح خطای ۵ درصد رد می شود و از آزمون های ناپارامتری برای آزمون فرضیه ها استفاده می شود. اگر مقدار سطح معناداری بیشتر از مقدار ۵ درصد باشد، فرض صفر تأیید می شود و این به معنی آن است که توزیع نمونه مورد مطالعه، نرمال است و می توان برای آزمون فرضیه ها از روش های پارامتری استفاده کرد. نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن فرضیه های اصلی و فرعی با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون نرمال بودن فرضیه‌های اصلی و فرعی با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف

فرضیه‌ها	تعداد	آماره آزمون	سطح معناداری	تصمیم‌گیری	نتیجه آزمون
فرضیه اصلی اول	۱۷۱	۰/۰۹۵	۰/۰۰۱	رد فرض صفر	توزیع نرمال نیست.
فرضیه فرعی اول	۱۷۱	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰	رد فرض صفر	توزیع نرمال نیست.
فرضیه فرعی دوم	۱۷۱	۰/۱۴۹	۰/۰۰۰	رد فرض صفر	توزیع نرمال نیست.
فرضیه فرعی سوم	۱۷۱	۰/۱۱۱	۰/۰۰۰	رد فرض صفر	توزیع نرمال نیست.
فرضیه فرعی چهارم	۱۷۱	۰/۱۱۸	۰/۰۰۰	رد فرض صفر	توزیع نرمال نیست.
فرضیه فرعی پنجم	۱۷۱	۰/۰۶۰	۰/۲۰۰	قبول فرض صفر	توزیع نرمال است.
فرضیه فرعی ششم	۱۷۱	۰/۱۱۲	۰/۰۰۰	رد فرض صفر	توزیع نرمال نیست.
فرضیه فرعی هفتم	۱۷۱	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	رد فرض صفر	توزیع نرمال نیست.
فرضیه اصلی دوم	۱۷۱	۰/۶۸۴	۰/۷۳۷	قبول فرض صفر	توزیع نرمال است.

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتایج درج شده در جدول (۴) نشان می‌دهد که مقدار سطح معناداری فرضیه اصلی اول، فرضیه‌های فرعی اول، دوم، سوم، چهارم، ششم و هفتم کمتر از مقدار ۵ درصد است و نرمال بودن داده‌ها در این فرضیه‌ها تأیید نمی‌شود؛ در حالی که در فرضیه فرعی پنجم و فرضیه اصلی دوم - با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف دو نمونه‌ای - مقدار سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد بوده و نرمال بودن داده‌ها در این فرضیه تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی

جهت آزمون فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی اول، دوم، سوم، چهارم، ششم و هفتم با توجه به نرمال نبودن توزیع داده‌ها در این فرضیه‌ها از روش ناپارامتری آزمون کای اسکوئر (Chi-square) - که از آن به عنوان آزمون کای دو نیز نام برده می‌شود - استفاده شد که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

۲۱۵

هدف اصلی آزمون کای اسکوئر، مقایسه فراوانی‌های مشاهده شده با فراوانی‌های مورد انتظار، به ویژه از طریق مقادیر و فراوانی‌های باقیمانده است. به عبارت دیگر این آزمون از طریق مقایسه این دو فراوانی (مشاهده شده و مورد انتظار) با یکدیگر به آزمون فرضیه پژوهش می‌پردازد. این آزمون را می‌توان در زمانی که توزیع متغیر در آزمون تی تک‌نمونه‌ای نرمال نیست جایگزین این آزمون کرد (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۲۸۷). در آزمون کای اسکوئر فراوانی گزینه‌های هر فرضیه با فراوانی‌های مورد انتظار تحت فرض صفر (یکسان بودن فراوانی‌ها) مقایسه می‌شود. در صورتی که فراوانی گزینه‌های موافق و مخالف برابر باشد فرض صفر پذیرفته می‌شود و چنانچه فراوانی گزینه‌های موافق و مخالف یکسان نباشد، فرضیه محقق پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون کای اسکوئر برای مقایسه فراوانی گزینه‌ها (کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، بی‌نظر=۳، موافق=۴ و کاملاً موافق=۵) در جدول زیر ثبت شده است:

جدول (۵): نتایج آزمون کای اسکوئر

گزینه‌ها	فراوانی مشاهده شده	فرضیه اصلی اول		
		فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره کای اسکوئر
سطح معناداری	درجه آزادی	سطح معناداری	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۵۳۴	۱۷۷۸/۴	-۱۲۴۴/۴	
۲	۱۱۲۶	۱۷۷۸/۴	-۶۵۲/۴	
۳	۱۳۲۱	۱۷۷۸/۴	-۴۵۷/۴	۰/۰۰۰
۴	۳۰۶۱	۱۷۷۸/۴	۱۲۸۲/۶	
۵	۲۸۵۰	۱۷۷۸/۴	۱۰۷۱/۶	

کل						
۸۸۹۲						
فرضیه فرعی اول						
گزینه‌ها	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۲۳	۱۳۶/۸	-۱۱۳/۸			
۲	۵۹	۱۳۶/۸	-۷۷/۸			
۳	۹۰	۱۳۶/۸	-۴۶/۸	۴۰۰/۶۷۸	۴	۰/۰۰۰
۴	۳۰۷	۱۳۶/۸	۱۷۰/۲			
۵	۲۰۵	۱۳۶/۸	۶۸/۲			
کل	۶۸۴					
فرضیه فرعی دوم						
گزینه‌ها	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۲۰	۶۸/۴	-۴۸/۴			
۲	۳۶	۶۸/۴	-۳۲/۴			
۳	۷۴	۶۸/۴	۵/۶	۱۰۳/۰۸۸	۴	۰/۰۰۰
۴	۱۲۶	۶۸/۴	۵۷/۶			
۵	۸۶	۶۸/۴	۱۷/۶			
کل	۳۴۲					
فرضیه فرعی سوم						
گزینه‌ها	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۴۳	۱۴۴/۶	-۱۰۱/۶			
۲	۱۲۳	۱۴۴/۶	-۲۱/۶			
۳	۷۳	۱۴۴/۶	-۷۱/۶	۲۸۹/۴۲۷	۴	۰/۰۰۰

۴	۳۰۱	۱۴۴/۶	۱۵۶/۴
۵	۱۸۳	۱۴۴/۶	۳۸/۴
کل	۶۸۴		

فرضیه فرعی چهارم

گزینه‌ها	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۳۵	۲۳۹/۴	-۲۰۴/۴			
۲	۶۴	۲۳۹/۴	-۱۷۵/۴			
۳	۲۰۶	۲۳۹/۴	-۳۳/۴	۶۶۴/۶۸۳	۴	۰/۰۰۰
۴	۴۳۹	۲۳۹/۴	۱۹۹/۶			
۵	۴۵۳	۲۳۹/۴	۲۱۳/۶			
کل	۱۱۹۷					

فرضیه فرعی ششم

گزینه‌ها	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۱۲۳	۳۷۶/۲	-۲۵۳/۲			
۲	۲۵۲	۳۷۶/۲	-۱۲۴/۲			
۳	۲۵۴	۳۷۶/۲	-۱۲۲/۲	۶۱۳/۵۵۹	۴	۰/۰۰۰
۴	۵۵۰	۳۷۶/۲	۱۷۳/۸			
۵	۷۰۲	۳۷۶/۲	۳۲۵/۸			
کل	۱۸۸۱					

فرضیه فرعی هفتم

گزینه‌ها	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
----------	--------------------	---------------------	-----------	------------------	------------	--------------

			۱۳۶/۸	۲۱	۱
			۱۳۶/۸	۳۰	۲
۰/۰۰۰	۴	۵۱۴/۶۹۹	۱۳۶/۸	۷۴	۳
			۱۳۶/۸	۳۰۱	۴
			۱۳۶/۸	۲۵۸	۵
				۶۸۴	کل

منبع: یافته‌های پژوهش.

مقایسه ستون فراوانی‌های مشاهده در فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی اول، دوم، سوم، چهارم، ششم و هفتم که در جدول (۵) درج شده است، نشان می‌دهد که طبقات چهار و پنج که به ترتیب بیانگر گزینه‌های موافق و کاملاً موافق است دارای بیشترین فراوانی هستند. مقادیر باقیمانده میزان تفاوت مقادیر فراوانی مشاهده‌شده و فراوانی مورد انتظار را نشان می‌دهد. هر چه مقدار باقیمانده به عدد صفر نزدیک‌تر و از عدد فراوانی مورد انتظار کوچک‌تر باشد نشان از نزدیکی بیشتر فراوانی‌های مشاهده‌شده و مورد انتظار دارد که به معنای تفاوت کمتر فراوانی طبقات است. با مقایسه مقادیر باقیمانده مندرج در جدول (۵) درمی‌یابیم که بیشترین اختلاف فراوانی‌های مورد انتظار و مشاهده‌شده در طبقات یک و چهار فرضیه اصلی اول، فرضیه‌های فرعی اول، دوم، سوم، طبقات یک و پنج فرضیه‌های فرعی چهارم و ششم و طبقات چهار و پنج فرضیه فرعی هفتم است. سطح معناداری آزمون کای اسکوار (۰/۰۰۰) در فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی اول، دوم، سوم، چهارم، ششم و هفتم کمتر از ۰/۰۵ است و در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و در سطح معناداری ۰/۰۵، اختلاف معنادار بین فراوانی‌های مشاهده‌شده پذیرفته می‌شود. از آنجاکه فراوانی گزینه‌های موافق و کاملاً موافق بیشتر از مخالف و کاملاً مخالف است، فرضیه‌های مذکور پذیرفته می‌شوند و می‌توان ادعا کرد که رویه‌های در نظر گرفته‌شده برای حاکمیت شرعی (در فرضیه اصلی اول)، چارچوب عمومی (در فرضیه فرعی اول)، چارچوب قانونی (در فرضیه فرعی دوم) و نقش کمیته فقهی (در فرضیه فرعی سوم) صلاحیت کمیته فقهی (در فرضیه فرعی چهارم)، رویه‌های اجرایی

حاکمیت شرعی (در فرضیه فرعی ششم) و کارکردهای کمیته فقهی (در فرضیه فرعی هفتم) از دید پاسخگویان حائز اهمیت است.

جهت آزمون فرضیه فرعی پنجم نیز با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها در این فرضیه از آزمون مقایسه میانگین تک‌نمونه‌ای استفاده شد که از توزیع تی استیودنت (T-Student) پیروی می‌کند. در این آزمون فرض صفر، فرض برابری میانگین نمونه با میانگین نظری (عدد ۳) است.

جدول (۶): نتایج آزمون مقایسه میانگین یک جامعه

فرضیه	میانگین نمونه	انحراف معیار نمونه	مقدار آماره آزمون تی	درجه آزادی	اختلاف میانگین	سطح معناداری	۹۵٪ فاصله اطمینان تفاوت
فرضیه فرعی پنجم	۳/۶۰۲۹	۰/۵۰۸۸۰	۱۵/۴۹۵	۱۷۰	۰/۶۰۲۹۰	۰/۰۰۰	حد بالا: ۰/۶۷۹۷ حد پایین: ۰/۵۲۶۱

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتایج آزمون مقایسه میانگین تک‌نمونه‌ای که در جدول (۶) ارائه شده است، نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون در فرضیه فرعی پنجم کمتر از ۰/۰۵ هست، در نتیجه فرض صفر (فرض برابری میانگین نظری (عدد ۳) و میانگین‌های مشاهده شده) رد می‌شود؛ همچنین با توجه به اینکه میانگین نمونه در این فرضیه بیشتر از ۳ است، فرضیه مذکور پذیرفته می‌شود و می‌توان ادعا کرد که رویه‌های در نظر گرفته شده برای استقلال کمیته فقهی (در فرضیه فرعی پنجم) از دید پاسخگویان حائز اهمیت است.

آزمون فرضیه اصلی دوم

جهت آزمون فرضیه دوم با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه (آزمون تی دو نمونه‌ای) برای مقایسه میانگین‌های دو گروه دانشگاهیان و شاغلان حرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است.

فرض صفر در این آزمون فرض برابری میانگین‌های دو جامعه می‌باشد. لازم است ذکر شود که برای آزمون تساوی میانگین دو جامعه ابتدا باید بررسی شود که آیا واریانس‌های دو جامعه برابرند یا خیر. به عبارت دیگر آزمون تساوی واریانس‌ها مقدم بر آزمون تساوی میانگین‌هاست. برای آزمون تساوی واریانس‌ها از آزمون لوین (Levene) استفاده می‌شود که فرض صفر در این آزمون فرض برابری واریانس دو نمونه است (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

جدول (۷): نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه

نتایج آمار توصیفی گروه‌ها				
موقعیت شغلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد از میانگین
دانشگاهیان	۹۳	۳/۷۳۷۰	۰/۴۶۷۱۷	۰/۰۴۸۴۴
شاغلان حرفه	۷۸	۳/۷۴۰۴	۰/۳۸۹۵۸	۰/۰۴۴۱۱
آزمون لوین		آزمون تی		
آماره اف	سطح معناداری	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۰۱۳	۰/۹۱۰	-۰/۰۵۱	۱۶۹	۰/۹۵۹

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتایج ارائه‌شده در جدول (۷) نشان می‌دهد که میانگین در گروه شاغلان حرفه بیشتر از گروه دانشگاهیان است. با توجه به نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه، سطح معناداری آزمون لوین (۰/۹۱۰) بیشتر از ۰/۰۵ است؛ در نتیجه فرض برابری واریانس‌ها در گروه دانشگاهیان و شاغلان حرفه پذیرفته می‌شود. سطح معناداری آزمون تی (۰/۹۵۹) نیز بیشتر از ۰/۰۵ است؛ در نتیجه فرض صفر (ادعای تساوی میانگین‌ها) پذیرفته شده و بنابراین فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود و می‌توان گفت که اختلاف معناداری بین نظرات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی وجود ندارد.

آزمون فرضیه اصلی سوم

برای آزمون فرضیه سوم از آزمون فریدمن (Friedman Test) استفاده شد. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری است که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین چند گروه استفاده

می‌شود. فرض صفر در این آزمون یکسان بودن اولویت‌بندی گروه‌ها و فرض یک متفاوت بودن حداقل دو اولویت‌بندی است.

جدول (۸): نتایج آزمون فریدمن

رتبه میانگین	چارچوب عمومی	چارچوب قانونی	نقش کمیته فقهی	سازوکارهای سیستم حاکمیت شرعی- صلاحیت کمیته فقهی	سازوکارهای سیستم حاکمیت شرعی- استقلال کمیته فقهی	رویه‌های اجرایی کمیته فقهی	کارکردهای کمیته فقهی
۴/۴۲	۳/۷۵	۲/۸۰	۴/۸۹	۳/۱۳	۳/۸۴	۵/۱۷	
تعداد	۱۷۱	آماره کای اسکوتر	۱۷۶/۴۹۱	درجه آزادی	۶	سطح معناداری	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتایج ارائه‌شده در جدول (۸) نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون فریدمن (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است؛ در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و فرضیه سوم پژوهش مبنی بر متفاوت بودن اولویت‌بندی رویه‌های حاکمیت شرعی از دید پاسخگویان پذیرفته می‌شود؛ همچنین نتایج حاکی از این است که موافقت پاسخگویان با رویه‌های حاکمیت شرعی به ترتیب در بخش کارکردهای کمیته فقهی، صلاحیت کمیته فقهی، چارچوب عمومی، رویه‌های اجرایی، چارچوب قانونی، استقلال کمیته فقهی و نقش کمیته فقهی در بازارهای مالی بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با الگوگیری از پژوهش‌های پیشین و بهره‌گیری از نظرات خبرگان مالی اسلامی کشور، رویه‌هایی برای حاکمیت شرعی در بازارهای مالی در شش بخش تنظیم و با استفاده از پرسش‌نامه نظرات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در ارتباط با این رویه‌ها جمع‌آوری شد. نتایج پژوهش نشان داد که اکثریت پاسخگویان رویه‌های حاکمیت شرعی را

در شش بخش چارچوب عمومی حاکمیت شرعی، چارچوب قانونی، نقش کمیته فقهی، سازوکارهای سیستم حاکمیت شرعی (صلاحیت و استقلال کمیته فقهی)، رویه‌های اجرایی و کارکردهای کمیته فقهی در بازارهای مالی کشور با اهمیت قلمداد کرده‌اند و در این زمینه تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی وجود ندارد؛ همچنین نتایج حاکی از آن است که پاسخگویان اولویت‌بندی متفاوتی را برای رویه‌های حاکمیت شرعی در نظر گرفته‌اند و از نظر آنها کارکردهای کمیته فقهی، صلاحیت کمیته فقهی و چارچوب عمومی حاکمیت شرعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

از آنجاکه استانداردهای حاکمیتی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) گامی مهم در راستای تدوین چارچوب جامع حاکمیت شرعی و حصول اطمینان از انطباق فعالیت‌های صنعت مالی اسلامی با استانداردهای شرعی بین‌المللی است، پیشنهاد می‌شود که بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار و سایر نهادهای ذی‌ربط اقدامات لازم را جهت پذیرش این استانداردها انجام دهند تا شرایط لازم برای ایجاد چارچوب حاکمیت شرعی در بازارهای مالی کشور فراهم شود؛ همچنین با عنایت به اهمیت تشکیل کمیته فقهی در سطح مؤسسات مالی اسلامی مقتضی است مقدمات لازم جهت انجام نظارت شرعی از این طریق صورت گیرد. البته باید خاطر نشان کرد که یکی از مسائل تشکیل کمیته فقهی در مؤسسات مالی اسلامی کشور کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه مالی اسلامی است که این کمبود هر دو بعد کمیت و کیفیت را شامل می‌شود. از آنجاکه قانون اسلامی در معاملات و امور مالی بسیار پیچیده است، کسانی که در این جایگاه قرار می‌گیرند باید واحدهای درسی مالی اسلامی را گذرانده باشند تا بتوانند مسئولیت‌های محوله را به‌درستی انجام دهند که این مهم نیازمند همکاری مؤثر حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای حرفه‌ای جهت ارائه برنامه‌های آموزشی مناسب جهت تربیت نیروی انسانی متخصص در صنعت مالی اسلامی است.

در پایان نیز به پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه حاکمیت شرعی نیز توصیه می‌شود پژوهش‌هایی را در زمینه سازوکارهای لازم برای به‌کارگیری رویه‌های حاکمیت شرعی در بازار پول، سرمایه و بیمه - به تفکیک هر یک از بازارها - تدوین الگوهای تأثیر به‌کارگیری سیستم حاکمیت شرعی بر ابعاد عملکرد مالی و غیرمالی و مدیریت ریسک، ارزیابی و

آسیب‌شناسی الگوهای حاکمیت شرعی موجود جهت به‌کارگیری در بازارهای مالی کشور و واکاوی موانع و چالش‌های اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی انجام دهند. لازم است ذکر شود که انجام پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ با توجه به اینکه جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده گردید، نارسایی پرسش‌نامه، محدودیت عمده این پژوهش است. به علاوه جدیدبودن موضوع در تحقیقات حسابداری نیز سبب شده بود تا برخی از مشارکت‌کنندگان از پاسخ‌دادن به سؤال‌های پژوهش اجتناب کنند.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، سیدعلی‌اکبر و علی صالحی؛ روش تحقیق در مدیریت؛ تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۲.
۲. توحیدی، محمد و علیرضا فتاحی؛ «استخراج مؤلفه‌های ارتقاء نظارت شرعی در بازار سرمایه ایران بر مبنای استانداردهای بین‌المللی (مطالعه موردی: استانداردهای بین‌المللی IFSB و AAOIFI)»؛ فصلنامه بورس اوراق بهادار، س ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۹۸.
۳. کریمی، رامین؛ راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS؛ تهران: انتشارات هنگام، ۱۳۹۴.
۴. کاوند، مجتبی؛ نقش شورای فقهی در بازار سرمایه اسلامی؛ تهران: مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶.
۵. موسویان، سیدعباس و همکاران؛ «نقش شورای فقهی تخصصی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۹، ش ۳۶، ۱۳۸۸.
۶. موسویان، سیدعباس و همکاران؛ «حاکمیت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی انگلستان و مقایسه آن با ایران»؛ دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، س ۱، ش ۲، ۱۳۹۱.
۷. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ «الگوی نظارت شرعی بر بانک‌های کشور بر اساس دیدگاه خبرگان بانکداری اسلامی»؛ فصلنامه پژوهش‌های پولی بانکی، س ۶، ش ۱۱۸، ۱۳۹۲.
۸. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ «آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح‌های قانونی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۴، ش ۵۴، ۱۳۹۳.
۹. مؤمنی، منصور و علی فعال قیومی؛ تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS؛ تهران: انتشارات منصور مؤمنی، ۱۳۸۹.

۱۰. مهدوی پارسا، علی؛ «چارچوب و اصول اساسی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی»؛
دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، س ۹، ش ۲، ۱۳۹۷.
۱۱. میسمی، حسین؛ «حاکمیت شرکتی، نظارت و مقررات احتیاطی در مؤسسات مالی اسلامی»؛
گزارش پنجمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی؛ پژوهشکده پولی و بانکی، تهران:
پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.
12. AAOIFI; "Governance Standards for IFIs"; No.1-5, Bahrain: AAOIFI, 2005.
13. Ahmed, H; "Shari'ah Governance Regimes for Islamic Finance: Types and Appraisal-I regimi di governance conformi alla shari'ah nella finanza islamica: tipologia e valutazione"; **Economia Internazionale/International Economics**, Vol.64, No.4, 2011.
14. Farook, S. Z., & M. O Farooq; "Shariah Governance for Islamic Finance: Challenges and Pragmatic Solutions"; **Available at SSRN 1813483**, 2011.
15. Grassa, R; "Shariah Supervisory System in Islamic Financial Institutions New Issues and Challenges: A Comparative Analysis between Southeast Asia models and GCC Models"; **Humanomics**, Vol.29, No.4, 2013.
16. Harrison, T., & E. Ibrahim; "Islamic Finance: Principles, Performance and Prospects"; **Springer**, 2016.
17. Hasan, Z.; "A Survey on Shariah Governance Practices in Malaysia, GCC Countries and the UK"; **International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Managemen**, Vol.4, No.1, 2011.
18. Hilmy, H. M. A., & R. Hassan; "Shariah Governance Structure of Islamic Financial Institutions in Sri Lanka"; **International Journal of Management and Applied Research**, Vol.6, No.4, 2019.

19. Islamic Financial Services Board; **Guiding Principles on Shariah Governance for Institutions Offering Islamic Financial Services**; Kuala Lumpur: Islamic Financial Services Board, 2009.
20. Malkawi, B. H; "Shariah Board in the Governance Structure of Islamic Financial Institutions"; **The American Journal of Comparative Law**, Vol.61, No.3, 2013.
21. Miajee, M. R. K; "Shariah Governance: Perspective of Islamic Finance"; **International Journal of Shari'ah and Corporate Governance Research**, Vol.1, No.1, 2018.
22. Mizushima, T; "Corporate Governance and Shariah Governance at Islamic Financial Institutions: Assessing from Current Practice in Malaysia"; **Reitaku Journal of Interdisciplinary Studies**, Vol.22, No.1, 2014.
23. Muneeza, A., & R. Hassan; "Shariah Corporate Governance: The Need for a Special Governance Code"; **Corporate Governance**, Vol.14, No.1, 2014.
24. Nafees, S. M. M., Risna, M. R. P., Rukshana, M. F., & M. F. F Zahira; "Sharia Governance of Islamic Financial institutions: A Comparative Study among Malaysia, Bahrain and Sri Lanka"; **Sri Lankan Journal of Arabic and Islamic Studies**, Vol.2, No.1, 2019.
25. Ridwan, R. & A. G Mayapada; "Does Sharia Governance Influence Corporate Social Responsibility Disclosure in Indonesia Islamic Banks?"; **Journal of Sustainable Finance & investment**, 2020.
26. Slahudin, C; "OECD Principles and the Islamic Perspective on Corporate Governance"; **Review of Islamic Economics**, Vol.12, No.1, 2008.

27. Sulphery, M. M; "Corporate governance in Islam vis-à-vis the modern corporate world"; **Management & Accounting Review (MAR)**, Vol.14, No.1, 2015.
28. Uddin, M. A; "Governance from Islamic Economic Perspective: A Shariah Governance Framework"; **Journal of Islamic Banking and Finance**, Vol.35, No.3, 2018.

